



جغرافیای

سیاسی و فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

## جغرافیای سیاسی فرهنگی انقلاب اسلامی ایران

« ۶ »

یادآوری :

در شماره پیش ، فهرست مساجد شهرستانها را به ترتیب تشکیل پرونده در شهربانی، به آگاهان اهل نظر تقدیم داشتیم. در این شماره، فهرست هیئتهای مذهبی شهرستانها را به همان ترتیب، در پیشدید دوستان قرار می دهیم و در شماره آینده، به یاری خداوند فهرست "حسینیه های شهرستانها" را به همین ترتیب خواهیم آورد و پس از آن در هر شماره "یاد" سهم سیاسی فرهنگی یکی از اماکن مذهبی و فعالین و کوشندگان آن را بر اساس اسناد و مدارک موجود بررسی خواهیم کرد.

نام هیئت	نام شهر	تاریخ تشکیل پرونده در شهربانی	ملاحظات
هیئت حضرت سجاد «ع» جمعیت جوانان شهرستان ساوه	ساوه	۴۳، ۱۰، ۲۹	
هیئت جوانان قزوین	قزوین	۴۳، ۱۲، ۱۹	
هیئت ابوالفضل «ع»	شیراز	۴۴، ۱، ۱	
هیئت موحدین	اهواز	۴۴، ۶، ۲۶	
هیئت مدیره عزاداران و سینه زنان ابوالفضل	سمنان	۴۴، ۷، ۲۷	

	اهواز	هیئت عباسیه
	دامغان	هیئت دامغان
	اصفهان	هیئت علمیه چهارده معصوم
	خرم آباد	هیئت باب الحوائج
	اصفهان	هیئت مذهبی اصفهان
	؟	هیئت علمیه نجف
در متن به همین صورت است	کرمانشاه	هیئت انصار حسینی شاه آباد
	گرمسار	هیئت زنجیرزان ابوالفضل «ع»
	یزد	هیئت اسلامی
	کرمانشاه	هیئت ابوالفضل «ع»
	دماوند	هیئت متوسلین به خامس آل عبا
	نوشهر	هیئت ابوالفضل و قرائت قرآن
	بروجرد	هیئت رضوی، متوسلین به امام هشتم
	مشکین شهر	هیئت چهارده معصوم
	بیجار	هیئت انصار
	شیراز	هیئت مهدی موعود
	شهرری	هیئت دامغانیهای مقیم شهرری
	فیروز کوه	هیئت شهیدان نینوا
	دامغان	هیئت کانون جوانان محقق اسلام
در متن به همین صورت است	؟	هیئت کاشان
	کاشان	هیئت ابوالفضل «ع»
	شهرری	هیئت مسلمین
	بندرعباس	هیئت فاطمیه
	اهواز	هیئت مهدویه
	ایذه	هیئت موحدین
	اهواز	هیئت موحدین
	یزد	هیئت جوادیه
	کرمانشاه	هیئت مسلم بن عقیل
	گرمسار	هیئت فاطمیه

## لسان الملك سپهر می نویسد:

«به زخم زبان حاجی میرزا آقاسی بسیار از مردم ایران رنجیده خاطر بودند و همچنان مردم ماکوئی که خود را منسوب به حاجی میرزا آقاسی می داشتند و بعضی از ایشان قوا و سپاه و حکام بلدان و اعصار بودند هیچ دقیقه از مراتب جور و اجحاف فرو نمی گذاشتند و جماعتی که از ایروانی و ماکوئی در تهران اقامت داشتند و از جمله سواران سپاه بشمار می شدند هم با مردم دارالخلافه بشرارت خلق و خشونت طبع می رفتند. حاجی میرزا آقاسی چون این مردم را منسوب به خویش می دانست و چنان می پنداشت که اگر وقتی روزگار آشفته شود ایشان ملازمت خدمت او خواهند کرد و دشمنان او را دفع خواهند داد لاجرم کیفر کردار ایشان را به تاخیر می افکند و صغیر و کبیر مملکت را رنجیده خاطر می ساخت... در پایان کار این پریشانی به همه مملکت سرایت کرد...»

«آقاسی عده‌ای را دور خود جمع کرده و حتی «زمزمه سلطنت طلبی» از او شنیده می شد.... اما در عین حال چنان وحشت زده و منفور بود که حتی روستائیان ده خودش، یافت آباد، او را راه ندادند و ناچار بحضرت عبدالعظیم پناه برد.